

مصاحبه در پایان بازدید از نمایشگاه کتاب / ۱۳۷۷/۰۲/۰۵

در باب نظریه‌پردازی نباید محدودیتی وجود داشته باشد. بیشتر بایستی برای نقد و ارزیابی و جدا کردن سره از ناسره همت شود؛ اما در زمینه کار عملیاتی، باید جلو کتابهای مضر را گرفت. ما کتاب عملیاتی داریم. کتاب عملیاتی این است که عملاً یک نفر را دچار مشکل می‌کند؛ مثل همان احساسات جنسی که اول گفتیم. اینجا بحث نظریه نیست. این کسی که خواند، خودش به طور طبیعی تحت تاثیر قرار می‌گیرد. جلو این را باید گرفت؛ این اصلاً چیز قابل نقدی نیست. این ملاک است؛ یعنی آن نوشته‌ای که وقتی وارد بازار فرهنگ شد، مشغول عملیات می‌شود و قابل این نیست که به آن جواب داده شود، مضر است و بایستی جلوش را گرفت.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان / ۱۳۸۰/۰۶/۱۵

امروز نیروهای اسلامی و مومن کم نیستند؛ بحمد الله فراوانند. ما نمی‌توانیم امروز را با اول انقلاب مقایسه کنیم. امروز چند برابر اول انقلاب، نیروی کارآمد مومن ارزشی اصیل داریم. آن روز خیلی‌ها به نام نظام اسلامی و جمهوری اسلامی وارد میدان شده بودند که نه تجربه و نه اطلاعات عمیقی داشتند. امروز ما چقدر جوانان مومن، مدیران خوب و نیروهای مخلص و علاقه‌مند در سرتاسر نظام داریم؛ پشت سر این‌ها هم نیروی عظیم مردم است. شما این نیروی عظیم مردمی و تظاهرات مذهبی آن‌ها را ببینید؛ اقبال جوانان به مجالس دینی و تبلیغات دینی را ببینید. هر جا یک پرچم تبیین دینی بلند می‌شود، می‌بینید جوانان به آنجا هجوم می‌آورند. هر جا انسان فرزانه و دانشمندی وارد میدان بحث و صحبت می‌شود، می‌بینید جوانان می‌آیند و می‌نشینند. جوانان پاک، مومن و آینه‌وارند. بنابراین نیرو زیاد است؛ مردم هم بحمد الله پشتیبان این نظام هستند. امروز در کشورهایی که ما می‌شناسیم، جمهوری اسلامی از لحاظ پشتیبانی مردم از نظام و مسئولان، انصافاً یا بی‌نظیر است یا کم‌نظیر. از این فرصت باید استفاده کرد. هم در زمینه نظریه‌پردازیها و تحکیم نظریه و هم در زمینه عمل، همت و تلاش کنیم.

پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی / ۱۳۸۱/۱۱/۱۶

با همه مضمون نامه شما موافقم و از شما و همفکرانان در حوزه و دانشگاه می‌خواهم که این ایده‌ها را تا لحظه عملی شدن و ثمر دادن، هر چند دراز مدت، تعقیب کنید. نه مایوس و نه شتابزده، اما باید این راه را که راه شکوفائی و خلاقیت است به هر قیمت پیمود. این انقلاب باید بماند و برنامه تاریخی و جهانی خویش را به بار نشانند و همین که این عزم و بیداری و خودآگاهی در نسل دوم حوزه و دانشگاه نیز بیدار شده است، همین که این نسل از افراط و تفریط، رنج می‌برد و راه ترقی و تکامل را نه در «جمود و تجر» و نه در «خودباختگی و تقلید»، بلکه در نشاط اجتهادی و تولید فکر علمی و دینی می‌داند و می‌خواهد که شجاعت نظریه‌پردازی و مناظره در ضمن وفاداری به اصول و اخلاق و منطق در حوزه و دانشگاه، بیدار شود و اراده کرده است که سوالات و شبهات را بی‌پاسخ نگذارد، خود، فی‌نفسه یک پیروزی و دستاورد است و باید آن را گرامی داشت و آنگاه که نخبگان ما نقطه تعادل میان «هرج‌ومرج» و «دیکتاتوری» را شناسائی و تثبیت کنند، دوران جدید آغاز شده است. آری، نباید از «آزادی» ترسید و از «مناظره» گریخت و «نقد و انتقاد» را به کلاهی قاچاق و یا امری تشریفاتی، تبدیل کرد چنانچه نباید بجای مناظره، به «جدال و مرا»، گرفتار آمد و بجای آزادی، به دام هتاکی و مسئولیت‌گریزی لغزید. آن روز که سهم «آزادی»، سهم «اخلاق» و سهم «منطق»، همه یکجا و در کنار یکدیگر ادا شود، آغاز روند خلاقیت علمی و تفکر بالنده دینی در این جامعه است و کلید جنبش «تولید نرم‌افزار علمی و دینی» در کلیه علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است. بی‌شک آزادی‌خواهی و مطالبه فرصتی برای اندیشیدن و برای بیان اندیشه توأم با رعایت «ادب استفاده از آزادی»، یک مطالبه اسلامی است و «آزادی تفکر، قلم و بیان»، نه یک شعار تبلیغاتی بلکه از اهداف اصلی انقلاب اسلامی است. من عمیقاً متأسفم که برخی میان مرداب «سکوت و جمود» با گرداب «هرزه‌گوئی و کفرگوئی»، طریق سومی نمی‌شناسند و گمان می‌کنند که برای پرهیز از هریک از این دو، باید به دام دیگری افتاد. حال آنکه انقلاب اسلامی آمد تا هم «فرهنگ خفقان و سر جنبانیدن و جمود» و هم «فرهنگ آزادی بی‌مهاری و خودخواهانه غربی» را نقد و اصلاح کند و فضائی بسازد که در آن، «آزادی بیان»، مقید به «منطق و اخلاق و حقوق معنوی و مادی دیگران» و نه به هیچ‌چیز دیگری، تبدیل به فرهنگ اجتماعی و حکومتی گردد و حریت و تعادل و عقلانیت و انصاف، سکه رائج شود تا همه اندیشه‌ها در همه حوزه‌ها فعال و برانگیخته گردند و «زاد و ولد فرهنگی» که به تعبیر روایات پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان (علیهم‌السلام)، محصول «تضارب آرا و عقول» است، عادت ثانوی نخبگان و اندیشه‌وران گردد. به‌ویژه که فرهنگ اسلامی و تمدن اسلامی همواره در مصاف با معضلات جدید و نیز در چالش با مکاتب و تمدنهای دیگر، شکفته است و پاسخ به شبهه نیز بدون شناخت شبهه، ناممکن است. اما متأسفانه گروهی بدنیاال سیاست‌زدگی و گروهی بدنیاال سیاست‌زدانی، دائماً تبدیل فضای فرهنگی کشور را به سکوت مرداب‌گونه یا تلاطم گرداب‌وار، می‌خواهند تا در این بلبشو، فقط صاحبان قدرت و ثروت و تربیون، بتوانند تاثیرگذار و جریان ساز باشند و سطح تفکر اجتماعی را پائین آورده و همه فرصت ملی را هدر دهند و اعصاب ملت را بفرسایند و درگیری‌های غلط و منحط قبیله ای یا فرهنگ فاسد بیگانه را رواج دهند و در نتیجه صاحبان خرد و احساس، ساکت و مسکوت بمانند و صاحبان دل و خردمندان، برکنار و در حاشیه مانده و منزوی، خسته و فراموش شوند. در چنین فضائی، جامعه به جلو نخواهد رفت و دعوایها، تکراری و ثابت و سطحی و نازل می‌گردد، هیچ فکری تولید و حرف تازه ای گفته نمی‌شود، عده‌ای مدام خود را تکرار می‌کنند و عده‌ای دیگر تنها غرب را ترجمه می‌کنند و جامعه و حکومت نیز که تابع نخبگان خویش‌اند، دچار انفعال و عقبگرد می‌شوند. چنانچه در نامه خود توجه کرده‌اید، برای بیدار کردن عقل جمعی، چاره ای جز مشاوره و مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفتگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علما و صاحبان‌نظران»، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود. برای علاج بیماری‌ها و هتاک‌ها و مهار هرج‌ومرج فرهنگی نیز بهترین راه، همین است که آزادی بیان در چارچوب قانون و تولید نظریه در چارچوب اسلام، حمایت و نهادینه شود. بنظر می‌رسد که هر سه روش پیشنهادی شما یعنی تشکیل (۱) «کرسی‌های نظریه‌پردازی» (۲) «کرسی‌های پاسخ به سوالات و شبهات» و (۳) «کرسی‌های نقد و مناظره»، روش‌هایی عملی و معقول باشند و خوب است که حمایت و مدیریت شوند به‌نحوی‌که هرچه بیشتر، مجال علم، گسترش یافته و فضا بر دکان‌داران و فریبکاران و راهزنان راه علم و دین، تنگ‌تر شود.

باید «تولید نظریه و فکر»، تبدیل به یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه شود و در قلمروهای گوناگون عقل نظری و عملی، از نظریه‌سازان، تقدیر بعمل آید و به نوآوران، جایزه داده شود و سخنانشان شنیده شود تا دیگران نیز به خلاقیت و اجتهاد، تشویق شوند. باید ایده‌ها در چارچوب منطق و اخلاق و در جهت رشد اسلامی با یکدیگر رقابت کنند و مصاف دهند تا جهان اسلام، اعاده هویت و عزت کند و ملت ایران به رتبه ای جهانی که استحقاق آن را دارد بار دیگر دست یابد. من بر پیشنهاد شما می‌افزایم که این ایده چه در قالب «مناظره‌های قانونمند و توأم با امکان داوری» و با حضور «هیئت داوری علمی» و چه در قالب تمهید «فرصت برای نظریه‌سازان» و سپس «نقد و بررسی» ایده آنان توسط نخبگان فن و در محضر وجدان علمی حوزه و دانشگاه، تنها محدود به برخی قلمروهای فکر دینی یا علوم انسانی و اجتماعی نیز نماند بلکه در کلیه علوم و رشته‌های نظری و عملی (حتی علوم پایه و علوم کاربردی و ...) و در جهت حمایت از کاشفان و مخترعان و نظریه‌سازان در این علوم و در فنون و صنایع نیز چنین فضائی پدید آید و البته برای آنکه ضریب «علمی بودن» این نظریات و مناظرات، پائین نیاید و پخته‌گوئی شود و سطح گفتگوها نازل و عوامانه و تبلیغاتی نشود، باید تمهیداتی اندیشید و قواعدی نوشت. این‌جانب با چنین طرح‌هایی همواره موافق بوده‌ام و از آن حمایت خواهم کرد و از شورای محترم مدیریت حوزه علمیه قم می‌خواهم تا با اطلاع و مساعدت «مراجع بزرگوار و محترم» و با همکاری و مشارکت «اساتید و محققین برجسته حوزه»، برای بالندگی بیشتر فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر و سایر موضوعات تحقیق و تالیف دینی، و نیز فعال کردن «نهضت پاسخ به سوالات نظری و عملی جامعه»، تدارک چنین فرصتی را ببینند. از شورای محترم انقلاب فرهنگی و به‌ویژه ریاست محترم آن نیز می‌خواهم که این ایده را در اولویت دستور کار شورا برای رشد کلیه علوم دانشگاهی و نقد متون ترجمه ای و آغاز «دوران خلاقیت و تولید» در عرصه علوم و فنون و صنایع و به‌ویژه رشته‌های علوم انسانی و نیز معارف اسلامی قرار دهند تا زمینه برای این کار بزرگ بتدریج فراهم گردد و دانشگاه‌های ما بار دیگر در صف مقدم تمدن‌سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فناوری و

فرهنگ، قرار گیرند. بی‌شک هر دو نهاد از طرح‌های پیشنهادی فضلا دانشگاهی و حوزوی و از جمله طرح شما، استفاده خواهند کرد تا با رعایت همه جوانب مسئله، جنبش «پاسخ به سوالات»، «مناظرات علمی» و «نظریه‌پردازی روشمند» را در کلیه قلمروهای علمی حوزه و دانشگاه، نهادینه و تشویق کنند. امیدوارم که مراحل اجرا این ایده، دچار فرسایش اداری نشده و تا پیش از بیست و پنجمین سالگرد انقلاب، نخستین ثمرات مهم آن آشکار شده باشد. و الله المستعان.

بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما / ۱۳۸۲/۰۹/۱۱

امروز انسان وقتی به راه‌های مختلف برای پیشرفت کشور نگاه می‌کند، می‌بیند همه منتهی می‌شود به علم. لعنت خدا بر کسانی که در طول ده‌ها سال کشور را از پیشرفت علمی بازداشتند. وقتی پیشرفت علمی وجود داشته باشد، پیشرفت فناوری را هم با خودش می‌آورد، و پیشرفت فناوری هم کشور را رونق می‌دهد و در جامعه نشاط به وجود می‌آورد. اگر علم نباشد، هیچ‌چیز نیست؛ و اگر فناوری هم باشد، فناوری عاریه‌بی و دروغی و وام‌گرفته‌ی دیگران است؛ مثل صنعت‌های موتنازی که وجود دارد. علم را باید رویانید. به نظر من رسانه می‌تواند در نهضت تولید علم و فکر و نظریه و اندیشه در زمینه‌های مختلف - چه در زمینه فنی و چه در زمینه انسانی و غیره - نقش ایفا کند. شما می‌توانید خط تولید علم و فکر و نظریه را برنامه‌ریزی‌شده دنبال کنید؛ به بحث‌های منطقی و مفید دامن بزنید؛ کرسی‌های نوآوری را تلوویزیونی کنید و چهره‌های علمی نوآور خوب را مطرح نمایید.

بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها / ۱۳۸۲/۰۹/۲۶

حرکت علمی در قرون اولیه اسلام بر اثر تشویق اسلام آن‌چنان اوج گرفت که تا آن‌روز در دنیا بی‌سابقه بود - در همه‌ی زمینه‌ها - و علم و دین باهم آمیخته و ممزوج بود و دانش و تحقیق و فن در حد خود پیشرفت کرد. پایه و مبنای علوم انسانی‌ای که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه‌شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته‌های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضد دینی و غیر دینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده باشند. ما در این زمینه‌ها باید کار کنیم. در زمینه‌ی علوم تجربی باید کار و تلاش کنیم. قدرت پیشرفت علمی و باز کردن راه‌های نو و گشودن افق‌های جدید را باید در خودمان به وجود بیاوریم؛ همت ما باید این باشد؛ توقع، این است. خوشبختانه ما پیشرفت کرده‌ایم؛ بوضوح می‌شود این را دید. اگر قرار بود در محیط غیر دینی و ضد دینی، علم پیشرفت کند، از لحاظ علمی لاف‌های پیشرفت می‌کردیم. ما از لحاظ علمی، عقب‌مانده و عقب نگه داشته شده بودیم. بیش از پنجاه سال، تحرک و جوشش علمی در این کشور کند بود؛ در بعضی از بخش‌ها تعطیل بود. موانعی که به وجود آوردند، برای این ملت مثل سم کشنده‌ی بود. باور را از ملت ما گرفتند. ملت و نخبان و مغزهای ما را به هرآنچه از بیرون این مرزهاست، آن‌چنان دل‌بسته کردند که اصلا کسی این مجال و این جرات و این شجاعت را پیدا نکند که فکر کند می‌توان برخلاف آن حرف‌ها یا غیر از آن حرف‌ها و آن نظریه‌ها، نظریه‌ی ارائه کرد. ما هنوز هم تا حدودی گرفتار آن حرف‌ها هستیم. البته اسلام به ما خودباوری داد و انقلاب به ما جرات بخشید. آنچه امروز مشاهده می‌کنیم، نتیجه‌ی همین جرات است؛ باید این جرات را تقویت کرد و پیش رفت.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی / ۱۳۸۲/۱۰/۱۳

در باره‌ی «ترویج نظریه‌پردازی و تولید علم» که جزو شوراهای کار شماست، بنا شد من به آقای رئیس‌جمهور سفارش کنم که از لحاظ مالی کمک کنند که این شورا دنبال شود. ان‌شا‌الله کمک کنید! واقعا فکر کنید، تا این شورای اقماری بتواند این کار را در این زمینه بکند و بعد هم عملیاتی شود؛ صرف بیان و آرزو نباشد. گاهی بعضی از مسئولان پیش ما می‌آیند و در باره‌ی حوزه‌ی مسئولیت خودشان می‌گویند ما باید این کار را بکنیم، ما باید آن کار را بکنیم؛ من به این‌ها می‌گویم: برادر! این «باید‌ها» را من باید به شما بگویم که باید این کار را بکنید، باید آن کار را بکنید؛ شما باید بگویید چه کار می‌کنی، چه کار کردی، چه کار می‌خواهی بکنی؛ «باید» فایده‌ی ندارد. اینکه حالا ما بنشینیم تا این شورا به عنوان یک مسئول باید این کارها را انجام بدهد، باید ندارد، بایدش معلوم است؛ بکنید؛ باید تحقق پیدا کند.

بیانات در دیدار اساتید و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها / ۱۳۸۵/۰۷/۱۳

آنچه که اساتید ما برای پیشرفت علم، وجهه‌ی همت خودشان باید قرار بدهند، اولاً «شجاعت علمی» در همه‌ی بخش‌هاست؛ هم در بخش‌های علوم انسانی، هم در بخش‌های علوم تجربی، هم در بخش‌های نزدیک به عمل و فناوری، و هم در بخش‌های علوم پایه. نظریه را دنبال کنید، تولید کنید، خلق کنید، ابداع کنید، نقد کنید؛ چشم‌بسته و تقلیدی نباید کار را دنبال کرد. مشکل ما در گذشته همیشه این بوده که در زمینه‌های مختلف - در همه‌ی زمینه‌های علمی - چشم‌بسته و تقلیدی نگاه کردیم که ببینیم غربی‌ها چه می‌گویند. درست است که غربی‌ها حد اقل دو قرن، دو قرن و نیم از ما در حرکت علمی جلوتر بودند و به مناطق خیلی عجیب و باورنکردنی‌ای هم رسیدند؛ در این تردید نیست. ما هم عقب ماندیم؛ با همه‌ی افتخارات گذشته‌مان، به خاطر تبلی‌ها و سو سیاستها؛ در این تردید نیست. اما من قبلا هم گفته‌ام، ما از شاگردی کردن پیش کسی که بلد است، رنگمان نمی‌آید؛ ولی می‌گوییم نباید فکر کنیم که ما همیشه باید شاگرد بمانیم. معنای این نگاه تقلیدی، این است؛ ما همیشه باید شاگرد بمانیم.

بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و مبلغان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه کشور / ۱۳۸۶/۰۹/۰۸

یک نفری نظر فقهی می‌دهد، نظر شاذی است. خیلی خوب، قبول ندارید، کرسی نظریه‌پردازی تشکیل بشود و مباحثه بشود؛ پنج نفر، ده نفر فاضل بیابند این نظر فقهی را رد کنند با استدلال؛ اشکال ندارد. نظر فلسفی‌ای داده می‌شود همین‌جور، نظر معارفی و کلامی‌ای داده می‌شود همین‌جور. مسئله‌ی تکفیر و رمی و این حرف‌ها را بایستی از حوزه ورناداخت؛ آن هم در داخل حوزه نسبت به علمای برجسته و بزرگ؛ یک گوشه‌ای از حرفشان با نظر بنده‌ی حقیر مخالف است، بنده دهن باز کنم می‌کنم؛ نمی‌شود این‌جوری، این را باید از خود داخل طلبه‌ها شروع کنید. این یک چیزی است که جز از طریق خود طلبه‌ها و تشکیل کرسی‌های مباحثه و مناظره و همان نهضت آزدفکری و آزاداندیشی که عرض کردیم، ممکن نیست. این را عرف کنید در حوزه‌ی علمیه؛ در مجلات، در نوشته‌ها گفته شود. یک حرف فقهی یک نفر می‌زند، یک نفر رساله‌ای بنویسد در رد او؛ کسی او را قبول ندارد، رساله‌ای در رد او بنویسید. بنویسند، اشکال ندارد؛ باهم بحث علمی بکنند. بحث علمی به نظر من خوب است.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

شما که در دانشگاهید، فعالیت شما فعالیت دانشگاهی است؛ باید درس بخوانید، تحقیق کنید، به فکر نظریه‌سازی باشید. الگو گرفتن بی‌قید و شرط از نظریه‌پردازهای غربی و شیوه‌ی ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه‌ی علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه‌سازی. بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، در روان‌شناسی، در فلسفه؛ آن‌ها هستند که شاخصها را مشخص می‌کنند. در این زمینه‌ها ما باید نظریه‌پردازهای خودمان را داشته باشیم و باید کار کنیم؛ باید تلاش کنیم؛ دانشجو باید تلاش کند. دانشجو و محیط دانشگاه باید نگاه کلان به هدف‌های انقلاب داشته باشد؛ دنبال آن‌ها برود. مراقب باشید دشمن نتواند از محیط دانشگاه و از عنصر دانشجو و استاد استفاده کند. این آن چیزی است که من روی آن تاکید می‌کنم. می‌بینید یک حادثه‌ی کوچکی اتفاق می‌افتاد، حالا در همین دانشگاه خودتان، یک تعدادی مثلا شاید در یک قضیه‌ای گله‌مندند، معترضند؛ ببینید بلافاصله در دنیا روی آن تفسیر می‌گذارند، تحلیل می‌گذارند، نه با جهتی که آن دانشجو به خاطر آن جهت این حرکت را انجام داده، این اقدام را کرده، بلکه درست در نقطه‌ی مقابل آن جهت. یعنی حاکمیت را، نظام را، اسلام را زیر سوال می‌برند با این وسائل. باید هشیار بود؛ در محیط دانشگاه این هشیار از همیشه لازم‌تر است.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه / ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

تحول و ارتقا علوم انسانی با: تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و باانگیزه، اصلاح و بازنگری در متون و برنامه‌ها و روش‌های آموزشی، ارتقا کمی و کیفی مراکز و فعالیتهای پژوهشی و ترویج نظریه‌پردازی، نقد و آزاداندیشی.

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

رابطه‌ی بین کشورها در زمینه‌ی علم باید رابطه‌ی صادرات و واردات باشد؛ یعنی در آن تعادل و توازن وجود داشته باشد. همچنانی که در باب مسائل اقتصادی و بازرگانی، اگر کشوری وارداتش بیشتر از صادراتش شد، ترازش منفی می‌شود و احساس غبن می‌کند، در زمینه‌ی علم هم باید همین‌جور باشد. علم را وارد کنید، عیبی ندارد؛ اما حد اقل به همان اندازه که وارد می‌کنید - یا بیشتر - صادر کنید. باید جریان دوطرفه باشد. و الا اگر شما دائما ریزه‌خوار خوان علم دیگران باشید، این پیشرفت نیست. علم را بگیرید، طلب کنید، از دیگران فرابگیرید؛ اما شما هم تولید کنید و به دیگران بدهید. مواظب باشید تراز بازرگانی شما در اینجا هم منفی نباشد. متاسفانه در این یکی دو قرن شکوفایی علم در دنیا، تراز ما تراز منفی بوده. از اول انقلاب کارهای خوبی شده؛ اما این کارها بایستی با سرعت و شدت هرچه بیشتر ادامه پیدا کند.

البته منظورم فقط هم علوم طبیعی نیست؛ اهمیت علوم انسانی کمتر از آن نیست؛ جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه، نظریه‌های جامعه‌شناسی غرب، مثل قرآن برای بعضی‌ها معتبر است؛ از قرآن هم معتبرتر! فلان جامعه‌شناس این‌جوری گفته؛ این دیگر بروبرگرد ندارد! چرا؟! بنشینید فکر کنید؛ نظریه‌پردازی کنید؛ از موجودی این دانشها در دنیا استفاده کنیم؛ بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را بر ملا کنیم. این از جمله کارهایی است که جزو الزامات حتمی پیشرفت است.

بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم / ۱۳۸۹/۰۷/۲۹

امروز شبهه‌هایی مطرح میشود که آماج آن شبهه‌ها نظام است. شبهات دینی، شبهات سیاسی، شبهات اعتقادی و معرفتی در متن جامعه تزریق میشود - بخصوص در میان جوانان - هدفش فقط این است که یکی را از یک فکری منتقل کند به یک فکر دیگری؛ هدفش این است که پشتوانه‌های انسانی نظام را از بین ببرد؛ مبانی اصلی نظام را در ذهنها مخدوش کند؛ دشمنی با نظام است. لذا برطرف کردن این شبهه‌ها، مواجهه با این شبهه‌ها، پاک کردن این غبارها از ذهنیت جامعه - که به وسیله‌ی علمای دین انجام میگردد - این هم یک پشتیبانی دیگر، یک پشتوانه‌ی دیگر برای نظام اسلامی است. پس نظام اسلامی از جهات مختلف متکی به علمای دین و نظریه‌پردازان و محققان و دانشمندان حوزه‌های علمیه است.

بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم / ۱۳۸۹/۰۷/۲۹

آن حقیقت اول که گفتیم نظام مستظهر به حوزه‌های علمیه است، به خاطر این است که نظریه‌پردازی سیاسی و نظریه‌پردازی در همه‌ی جریانهای اداری یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده‌ی علمای دین است. آن کسانی میتوانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. اگر جای این نظریه‌پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیردینی، نظریه‌های مادی جای آنها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه‌ای در خلا نمیتواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته‌ی اذهان مادی است، می‌آید جایگزین میشود؛ همچنان که در آن مواردی که این خلاها محسوس شد و وجود داشت، این اتفاق افتاد.

بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی / ۱۳۹۰/۰۲/۲۷

در مرحله‌ی نظری، آنچه که ما میخواهیم به آن برسیم، رسیدن به نظریه‌ی اسلامی ناب در باب عدالت است. البته باید با نگاه متجددانه، با نگاه نوآورانه، به منابع اسلامی مراجعه کرد و آن نظریه را از متن منابع اسلامی - در چهارچوبهای علمی و فنی خودش، که بعضی از دوستان اشاره کردند - استخراج کرد. ما برای استنباط، شیوه‌ها، متدها و روشهای علمی تجربه‌ی شده‌ی کاملا حساب‌شده‌ی داریم؛ از اینها باید استفاده شود. بنابراین در مرحله‌ی نظری و نظریه‌سازی، باید از منابع اسلامی و از متون اسلامی، نظریه‌ی ناب اسلام در باب عدالت به دست بیاید. من تکیه‌ام در این نکته این است که نمیخواهیم از مونتاژ و کنار هم چیدن نظریات گوناگون متفکرین و حکمائی که در این زمینه حرف زدند، یک نظریه به وجود بیاوریم و تولید کنیم. یعنی در این قضیه باید جدا از التقاط جلوگیری کرد، باید پرهیز کرد. در موارد متعددی ما دچار این اشتباه شدیم. بدون اینکه بخواهیم، در مرداب التقاط لغزیدیم. بیرون آمدنش خیلی سخت خواهد بود. نه، حقیقتا باید در منابع اسلامی جستجو کنیم. این منابع، فراوان هم هست؛ که دوستان هم اشاره کردند. در قرآن، در حدیث، در نهج‌البلاغه، در نوشته‌های فقهی، کلامی و حکمی بخشهای زیادی وجود دارد که هم‌اکنون میتواند منبع مورد استفاده‌ی ما در پیدا کردن نظریه‌ی ناب اسلامی باشد.

بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی / ۱۳۹۰/۰۲/۲۷

در عرصه‌ی تفکر و نظریه‌پردازی، ما احتیاج داریم به تعدد آرا و تضارب آرا. یعنی اینکه ما میگوئیم به یک نظریه باید برسیم و نظریه‌ی ناب اسلامی را کشف کنیم، مبتنی بر یک مقدمات نسبتا طولانی و گسترده‌ای است؛ که اهم این مقدمات همین است که آرا متفکران تضارب پیدا کند، آرا مختلفی مطرح شود؛ و این لازم است؛ این نشاط علمی است. نباید تصور کرد که ما یک پیشداوری داریم، یک چیزی را از قبل در نظر گرفته‌ایم و میخواهیم حتما به آن برسیم؛ نه، میخواهیم با تضارب آرا ببایم آنچه را که حق است و آنچه که درست است. بنابراین تضارب آرا لازم است. حد یقف هم ندارد. یعنی بعد از آنکه به نظر نهائی و مختار برای این برهه‌ی از زمان رسیدیم، باز احتمال اینکه آرا جدیدی، نظرات جدیدی، نکات تازه‌ای در آینده مطرح شود، هست؛ هیچ مانعی هم ندارد. لیکن به هر حال نیاز هست به اینکه به یک جمع‌بندی قوی برسیم که بر اساس آن، برنامه‌ریزی‌های درازمدت در کشور صورت بگیرد. بنابراین تضارب آرا لازم است؛ لیکن در نهایت ادراهی کشور نیاز دارد به اینکه به یک جمع‌بندی قوی و متقن و مستدل در باب عدالت اجتماعی برسد که بتواند بر اساس آن جمع‌بندی، برنامه‌های بلندمدت را طراحی کند. البته بعد از آنکه به این جمع‌بندی رسیدیم، باز پژوهشهای تازه‌ای شروع خواهد شد برای اینکه شیوه‌ها را پیدا کنید؛ یعنی پژوهشهای کاربردی. امروز من ملاحظه کردم که بعضی از بخشهای مباحث، مربوط به مباحث کاربردی است - بسیار هم خوب است - این دامنه‌اش خیلی وسیع است؛ یعنی بعد از آنکه ما به یک نظریه‌ی متقن و جمع‌بندی شده‌ای در باب عدالت رسیدیم، تازه برای پیدا کردن شیوه‌های اجرا و تحقق آن در جامعه، به بخشهای کاربردی نیاز داریم؛ که این خودش پژوهشهای فراوانی را دنبال خواهد کرد. آن وقت در اینجاست که ما میتوانیم از تجربیات بشری استفاده کنیم.

بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی / ۱۳۹۰/۰۲/۲۷

یکی از مهمترین کارها در عرصه‌ی نظری این است که ما عدالت‌پزوهی را در حوزه و دانشگاه به عنوان یک رشته‌ی تعریف شده‌ی علمی بشناسیم، که این امروز وجود ندارد؛ نه در حوزه وجود دارد، نه در دانشگاه. یعنی هیچ اشکال ندارد فرضا در حوزه یکی از موضوعاتی که محل بحث قرار میگیرد، یک فقیه با روش فقیهانه بحث میکند، مسئله‌ی عدالت باشد. حالا همین قاعده‌ی عدل و انصافی که آقایان به آن اشاره کردند، بایستی تنقیح شود؛ این غیر منقح است. دلیل عدم تنقیح هم این است که آدم می‌بیند در بخشهای مختلف فقهی استنادهایی به این قاعده میشود که هیچ نمیشود اینها را تمام کرد - یعنی قابل استدلال نیست - همین طور در بخشهای مختلف گفته میشود، چه اشکالی دارد که در حوزه‌ی علمیه - که خوب، بحمدالله فضلاء برجسته‌ای در جلسه حضور دارند - یکی از بخشهایی که

یک فقیه در درس فقه استدلالی خودش دنبال میکند، مسئله‌ی عدالت باشد؛ «کتاب‌العدالة»؟ این غیر از آن بحث عدالتی است که اشاره کردند شیخ (علیه‌الرحمه) فرموده‌اند؛ آن بحث دیگری است. در باب عدالت اجتماعی بحث شود؛ بحث فقهی قوی. در دانشگاه یک دانش میان‌رشته‌ای به وجود بیاید و تعریف شود؛ بحث شود، کار شود، روی آن به طور مستقل سرمایه‌گذاری شود. به نظر من، این در عرصه‌ی نظری یک کار لازمی است؛ هم نظریه‌پردازی را گسترش می‌دهد، هم نیروهای توانمندی را در این عرصه تربیت می‌کند.

بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی / ۱۳۹۰/۱۰/۱۴

باید بدانیم در حوزه‌ی نظریه‌پردازی، کجا جلوگیری، کجا عقیم. یک جاهائی واقعا ما جلو هستیم، در یک مواردی هم واقعا عقیم. در همین زمینه مسئله‌ی زن، این همه منابع و تعالیم اسلامی در دسترس ماست؛ آیات کریمه‌ی قرآن؛ چه آیاتی که مستقیما به این مسئله ارتباط پیدا می‌کند، و چه آیاتی که با کلیت خود، با عموم و اطلاق خود شامل این مورد میشود، در اختیار ماست؛ اینها را باید تئوریزه کنیم؛ به شکل نظریه‌ها و مجموعه‌های قابل تشعب، قابل استفاده و قابل استنتاج در بیاوریم و در اختیار همه بگذاریم؛ هم در اختیار خودمان برای برنامه‌ریزی، هم در اختیار مخالفین، هم در اختیار استفسارکنندگان؛ که اشاره کردند و درست است. امروز در دنیا استفسارکنندگان و سوال کنندگان از نظرات جمهوری اسلامی - که تجربه‌ی سی ساله‌ای را با خود دارد - زیاد شده‌اند. البته شماها هم قاعدتا اطلاع دارید، ما هم از کلانش اطلاع داریم؛ زیاد مراجعه می‌کنند، زیاد می‌پرسند، در موضوعات مختلف زیاد می‌خواهند بدانند، که در جمهوری اسلامی چه چیزی وجود دارد. خوب، اینها را باید برای آنها فراهم کرد.

بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی / ۱۳۹۰/۱۰/۱۴

آنچه که ما در این جلسه فهمیدیم، علاوه بر استفاده‌ای که از محتوای مطالب دوستان کردیم، مهم این بود که فهمیدیم در حوزه‌ی زن و خانواده، از لحاظ علمی - کارشناسی، کارهای بر زمین مانده الی ماشاالله داریم. اینقدر کار بر زمین مانده داریم که بعضی از همین پیشنهادهایی که دوستان کردند - که مرکز چینی تشکیل شود، مرکز چنانی تشکیل شود - همه‌اش درست است؛ باید واقعا بشود. البته ما قبلا با دوستانی که در دفتر هستند، آقای واعظزاده و دیگران، درباره‌ی ادامه‌ی کار این نشست در مورد مسئله‌ی زن و خانواده صحبت کردیم؛ کارهایی در ذهن دارند. هم در زمینه‌ی مسائل نظریه‌پردازی کارهای مهمی ان‌شالله انجام خواهد گرفت، هم در زمینه‌ی گفت‌وگو سازی، و هم در زمینه‌ی نزدیک کردن این گفت‌وگو به اجرا؛ که البته اگر به صورت گفت‌وگو در آمد، اجرای آن دیگر کار دشواری نیست. یعنی همان اشکالاتی که به مجلس و شورای نگهبان و دولت و غیره دارند، همه‌ی آنها برطرف می‌شود. گفت‌وگو یک جامعه مثل هواست، همه تنفسش می‌کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. باید این گفت‌وگو سازی انجام بگیرد؛ که البته نقش رسانه‌ها و بالخصوص نقش روحانیون و نقش بزرگان و اساتید دانشگاهی حتما نقش بارز و مهمی است.

بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی / ۱۳۹۰/۱۰/۱۴

ده‌ها نظریه و الگوی مترقی در همین زمینه زن و خانواده میشود استخراج کرد. اینها نظریه‌پردازی بشود، تئوریزه بشود، با جوانبش، با اجزایش، تدوین بشود و ارائه بشود. اینها کارهای میان‌مدت و بلندمدتی است که حتما بایستی انجام بگیرد. تعالیم ناب و مترقی اسلام در قرآن و حدیث باید مورد استفاده قرار بگیرد.

ابلاغ سیاست‌های کلی «علم و فناوری» / ۱۳۹۲/۰۶/۲۹

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

۱- جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان با تاکید بر:

۱-۱- تولید علم و توسعه نوآوری و نظریه پردازی.

۲-۱- ارتقا جایگاه جهانی کشور در علم و فناوری و تبدیل ایران به قطب علمی و فناوری جهان اسلام.

۳-۱- توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی.

۴-۱- تحول و ارتقا علوم انسانی بویژه تعمیق شناخت معارف دینی و میانی انقلاب اسلامی با: تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه،

اصلاح و بازنگری در متون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی و ارتقا کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی مربوط.

۵-۱- دستیابی به علوم و فناوری‌های پیشرفته با سیاستگذاری و برنامه ریزی ویژه.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۶/۱۱/۱۹

دشمن یعنی چه کسی؟ یعنی آن که از انقلاب آسیب دیده؛ آنهایی که اینجا یک حکومت دست‌نشانده‌ی مطیعی در این منطقه‌ی بسیار حساس داشتند که مطیع آنها بود و همه چیزش در اختیار آنها بود؛ هم سیاستش، هم اقتصادش، هم درآمدش. آنها این را از دست دادند و متضرر شدند؛ حالا در راس آنها آمریکا است و نیز بعضی از کشورهای دیگر اروپایی مثل انگلیس و غیره؛ اینها دشمنند. هدف دشمن این است که از این استمرار و استقامت جلوگیری کند؛ انواع و اقسام تلاشها را هم دارند میکنند برای همین [هدف]. از هر وسیله‌ای هم که بتوانند استفاده میکنند؛ از متفکرانها - بعضی‌ها هستند متفکر نمایند، می‌نشینند به اصطلاح فکر ارائه میدهند که با پایه‌های انقلاب مخالفند؛ شما گاهی ممکن است مقالات اینها و نوشته‌های اینها را در بعضی از مطبوعات یا رسانه‌های الکترونیکی و مانند اینها ببینید؛ از اینها استفاده میکنند، پول میدهند، [میگویند] «بنشینید علیه انقلاب و علیه پایه‌های انقلاب فکر تولید کنید»- تا نظریه‌پردازی‌های قلابی که تئوریسین درست میکنند، تئوریسین‌های قلابی، تا روزنامه‌نگار و قلم‌به‌دست‌ها و قلم‌به‌مزه‌ها، تا امکانات فضای مجازی، تا دلقکها و تا هر چه بتوانند از هرکه بتوانند استفاده میکنند برای اینکه گستره‌ی مخاطبین خودشان را افزایش بدهند.

